

# شاعران آزاد در قفس

از رابعه بلخی

تا نادیا انجمن

نویسنده

دکتور محمد شعیب مجددی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مشخصات کتاب:

نام کتاب: شاعران آزاد در قفس از رابعه بلخی تا نادیا انجمن

نویسنده: دوکتور محمد شعیب «مجددی»

طرح جلد: فریدون «مجددی»

تایپ: دوکتور محمد شعیب «مجددی»

ویراستاری: استاد فرید احمد «سلجوقی»

صفحه آرایشی: حامد «عاصم»

ناشر: بنیاد خیریه دوکتور محمد عثمان «نورزایی» غوریانی

نوبت چاپ: اول - خزان ۱۳۹۶ هجری شمسی. ۲۰۱۷ میلادی

تیراژ: ۵۰۰

قیمت: ۲۰۰ افغانی در داخل کشور و ۲۰۰ دالر در خارج از کشور

چاپ: شرکت چاپ و نشر توانا ۲۲۲۰۵۳۵

ویرایش: انجمن ادبی دیار دارا ولسوالی غوریان

ایمیل آدرس: [shoibmojaddadi@yahoo.com](mailto:shoibmojaddadi@yahoo.com)

حق چاپ محفوظ است

اهداء:

کتاب شاعران آزاد در قفس را

به همسرم حاجیه فایقه جان مجددی

تقدیم میدارم.

# تشکر:

از دوستان نهایت عزیز و گرامی استاد محمد صدیق راشد سلجوقی، دکتور حمدالله سیدی، جلیل غنی هروی، دکتور برکت الله دانشور، خواجه بشیراحمد انصاری، دکتور غلام نبی یقین و دکتور اسماعیل درمان که با همکاری و مشوره مرا یاری نمودند و دکتور محمد عثمان نورزائی، محمد راتب نورزائی، استاد فرید احمد سلجوقی همکاران و خدمتگاران در بنیاد خیریه دکتور محمد عثمان نورزایی « غوریانی » که شرایط چاپ کتاب شاعران آزاد در قفس را آماده ساختند؛  
یک جهان ممنون و سپاسگزارم.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ی	مقدمه
۱	قفس زندانی برای آزاده گان
۲	هوای دلتنگ قفس در شعر زنان
۶	قفس در لغت نامه ها
۸	قفس اسارت ، بنده گی و ...
۱۳	پرپر زدن شاعران زن در قفس
۱۶	شکایت ، نارضائیتی ، اعتراض ، مقاومت و حرکت در شعر زنان شاعر
۳۲	خودسوزی و سوختاندن زنان
۳۵	زن در شعر زن - مقاومت و مبارزه
۴۱	تنوع محتوی و شکل در شعر زن
۵۰	اول - شعر شاعران زن از دیدگاه شکل
۵۱	غزل پری بدخشی
۵۴	نمونه های از رباعی ، دوبیتی
۵۶	شعر نو
۵۹	مخمس
۵۶	دوم - شعر شاعران زن از دیدگاه محتوی
۵۶	شاعران زن و تصوف عرفان
۷۱	حافظه مجددی
۷۲	عشق وطن
۷۶	پند و اندرز

- ۷۸ ----- احساسات لطیف عاشقانه زنانه
- ۸۳ ----- اشعار شاعران زن پیرامون تکنالوژی
- ۸۴ ----- شاعران آزاد در قفس عنوان کتاب
- ۸۵ ----- رابعه بلخی شاعری که شاهرگش بدست برادر قطع شد
- ۹۳ ----- مهری هروی در قفس ازدواج اجباری
- ۹۶ ----- شاعران آزاد در قفس مخفی بدخشی و محجوبه هروی
- ۱۰۴ ----- نادیا انجمن
- ۱۰۴ ----- آموزشگاه خیاطی سوزن طلائی هرات
- ۱۰۸ ----- نادیا انجمن قربانی خشونت خانواده گی
- ۱۱۸ ----- دیدگاه دیگران پیرامون شعر و زندگی نادیا انجمن
- ۱۲۰ ----- شاعران آزاد در قفس ایران
- ۱۲۰ ----- هیلا صدیقی
- ۱۲۴ ----- فروغ فرخزاد
- ۱۲۵ ----- سیمین بهبهانی
- ۱۲۷ ----- پروین اعتصامی
- ۱۲۹ ----- فاطمه اختصاری
- ۱۳۰ ----- شاعران آزاد در قفس تاجیکستان
- ۱۳۱ ----- گلرخسار صفی آوا
- ۱۴۳ ----- شاعران آزاد در قفس جهان
- ۱۴۵ ----- مایا انجلو شاعر و نویسنده سیاه پوست امریکائی
- ۱۵۱ ----- امیلی الیزابت دیکنسون
- ۱۵۴ ----- دلمیرا آگوستنی



- آگی میشول شاعر اسرائیلی ----- ۱۵۶
- برونته شاعر انگلستان ----- ۱۵۹
- علل و دلایل شاعران آزاد در قفس ----- ۱۶۰
- برازندگی مردان در مقام های مختلف ----- ۱۶۱
- تفاوت مرد وزن در عرف و فرهنگ ----- ۱۶۲
- دیدگاه ادیان پیرامون مقام و ارزش زن شاعران آزاد در قفس ----- ۱۶۵
- مقام و ارزش زن از دیدگاه اسلام ----- ۱۷۰
- نقش ترجمه و تفسیر قرآن مجید بر سرنوشت زنان ----- ۱۷۳
- سیرت النبی (ص) خُلُق و روش نیک حضرت محمد (ص) در مقابل زن ----- ۱۸۴
- شناخت حدیث ، تشخیص حدیث صحیح ، ضعیف و جعلی و نقش آن در زندگی زنان ----- ۱۸۶
- نکاح صغیره به بهانه سن بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها ----- ۱۹۱
- استفاده از دین توسط بعضی جریانات سیاسی و رسانه ها ----- ۱۹۸
- قضاوت امروز به ترازوی عدالت عینی و ذهنی دیروز ----- ۱۹۹
- ضعف و یا مرگ انسانیت علل شاعران آزاد در قفس ----- ۲۰۰
- پاک سازی تا مقام انسانیت ----- ۲۱۲
- علل شاعران آزاد در قفس از دیدگاه روانشناسی ----- ۲۲۹
- نتیجه کتاب شاعران آزاد در قفس « زن و مرد لباس یکدیگر » ----- ۲۳۳

## مقدمه :

چند سال پیش زیرعنوان « شاعران آزاد در قفس » پیرامون زندگی دوشاعر گرانمایه مخفی بدخشی و محجوبه هروی مطلبی نوشتم و در رسانه‌های گروهی داخل و خارج وطن افتخار چاپ میسر گردید. در آن نوشته از دوستی این دوشاعر گرانمایه که هیچگاه یکدیگر را ملاقات نکردند و با تبادل نامه‌ها بر زخم‌های شرایط ناگوار و غم انگیزعینی و ذهنی زندگی خود مرهم می‌گذاشتند؛ روشنی انداخته شد. محجوبه هروی در یکی از نامه‌هایش برای مخفی بدخشی چنین درد دل می‌کند : « ...چقدر ناراحتم که چرا شاعر شده‌ام و باز چرا همسر یک مرد خود خواه و خود بین و متعصب شده‌ام یک روز به من گفت طوطی و بلبل و مینا در قفس خوب ناله‌ها را موزون می‌سازند، اگر تو هوایی و صحرایی و شهری می‌شدی شعر خوب گفته نمی‌توانستی باز هم خوشم اگرزبان ندارم همین قلم مایه تسلی دل ناتوان من است ... » و در جواب مخفی بدخشی مینگارد : « ... در فیض آباد عین شرایط است. زن‌ها که به دعوت می‌روند، روز حرکت نمی‌کنند، من خودم بارها که در منازل اقاربم به غرض فاتحه خوانی و یا عروسی و... می‌روم، با دو محافظ محرم خود شبانه منزل می‌زنم و شبانه عودت می‌کنم. لاکن به اندازه شما مقید نمی‌باشم. از زیر برقع شهر و بازار را دیده‌ام آن هم در شب ... » نوشته « شاعران آزاد در قفس مخفی بدخی و محجوبه هروی » از این دیار به آن دیار و تا سرمنزلهای دور بدسترس دوستان و عزیزان قرار گرفت و تعداد زیاد علاقه‌مندان و شخصیت‌های با احساس و همدرد با نامه‌های پر مهر و محبت از طریق ایمیل دروازه بزرگتری به جهان « شاعران آزاد در قفس » باز نمودند تا با انرژی بیشتر و حوصله مندی خردمندانه در مسیر تاریخ ادبیات فارسی دری مروری دقیق بر زندگی شاعران زن نموده؛ ذین بزرگ در مقابل ناگفته‌ها پیرامون شاعران زن ادا گردد. درسر آغاز این سفر به داستان غرقه در خون رابعه بلخی می‌رسیم که برادرش حارث به جرم عاشق شدن به بکتاش و اشعار عاشقانه سرودن او را به حمام گرم وسوزان انداخت و شاه‌رگش را قطع نمود. رابعه بلخی تا آخرین لحظه حیات با خون خود بر دیوار حمام شعر مینوشت و برادرش را چنین دعا نمود :

دعوت من بر تو آن شد کایزدت عاشق کناد  
بر یکی سنگین دل نامهربان چون خویشتن  
تا بدانی درد عشق و داغ هجر و غم کشی  
چون به هجراندر بیچی پس بدانی قدر من

از زمان رابعه بلخی تا امروز در هر دوره از تاریخ ادبیات شاعر شیوا بیانی با این درد ورنجه دست وپنجه نرم نموده و داستان غم انگیز زندگیش نا شنیده در گورستانی برای همیشه دفن گردیده است. از

گذشته‌های دور به همین چند صبای پیش سال ۱۳۸۴ هجری شمسی می‌رسیم. آنگاه که غزلسرای جوان نادیا انجمن در عنفوان جوانی پیش از اینکه بیست و پنجمین سال زندگیش را تکمیل نماید در سایه ناخوش آیند اختناق خانوادگی زیر مشت ولگد شوهرش سخت زحمی و مظلومانه جان به جان آفرین می‌سپارد.

نیست شوقی که زبان بازکنم از چه بخوانم  
من که منفور زمانم چه بخوانم چه نخوانم  
من و این کنج اسارت، غم ناکامی و حسرت  
که عبث زاده ام و مهر بیاید به زبانم

همچنان که در روند تاریخ ادبیات فارسی دری نام شاعران زن و نمونه کلامشان کمرنگ می‌باشد. مجموعه‌های که تنها شرح حال شاعران زن را بیان کرده باشد نیز تا امروز به چند جلد خلاصه می‌شود. شاید اولین اثری که شرح حال و نمونه کلام شاعران زن را بیان داشته است کتاب «پرده نشینان سخنگوی» از ماگه رحمانی است و بی‌مورد نخواهد بود چند کلمه پیرامون معرفی آن اثر با ارزش نگاشته شود. کتاب «پرده نشینان سخنگوی» تألیف ماگه رحمانی به کوشش نشریات ریاست مطبوعات نشریات انجمن تاریخ در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی در کابل اقبال چاپ یافته است. کتاب پرده نشینان سخنگوی شرح حال و نمونه کلام ۱۲۸ شاعر زن را در آغوش دارد. ماگه رحمانی زن با دانش و مبارز در بلند نمودن صدا و دفاع از حقوق زن نقش مهمی ایفا نموده است او مدتی به جرم مبارزاتش در خانه زندانی گردید. لطیف ناظمی از زبان ماگه رحمانی چنین می‌نگارد «در ۱۹۵۰ (لطیف ناظمی سال ۱۹۵۲ می‌گوید) وقتی مظاهرات شاگردان در برابر حکومت به حمایت از انتخابات آزاد و آزادی بیان صورت گرفت، من هم در برخی از این تظاهرات اشتراک کردم. هنگامی که یکی دوهزار از مظاهره چیان را در آگست ۱۹۵۰ به زندان افکندند؛ مرا دستگیر نکردند اما برایم گفته شد که نباید از خانه ام خارج شوم و سربازی را نیز در دربند خانه ام برای نظارت نشانند تا مبادا از خانه بیرون روم. بدین گونه سه سال ونیم در خانه ام نظر بند بودم».

در مقدمه کتاب «پرده نشینان سخنگوی» که نام کتاب درد بزرگ زنان شاعر را هویدا می‌سازد از اینکه معلومات اندک پیرامون شرح حال و نمونه کلام شاعران زن در صفحات تاریخ ادبیات فارسی دری درج است؛ یاد آوری می‌کند. ماگه دلیل نگارش پرده نشینان سخنگوی را چنین می‌گوید «چون خوشبختانه در این اواخر در بین زنان شرق و در آن جمله زنان و دختران وطن عزیز ما، جنبش ونهضت پدید آمده و از طرف دیگر تشویق و تحریک بزرگان و دانشمندان برای بلند بردن سویه این طبقه به مشاهده می‌رسد؛ موقع را مساعد شمرده و خواستم زنان سخنگوی عصرهای گذشته را به هموطنان

گرامی معرفی نمایم. لذا به تدوین و ترجمهٔ حال و نمونهٔ کلام ایشان پرداختم. امیدوارم دوستان علم و دانش با ملاحظه و مطالعه این اثر استعداد و قابلیت ذاتی بانوان مشرق زمین را، مخصوصاً فارسی زبانان را به نظر احترام و تقدیر نگریسته مطمئن گردند که با کمترین توجه و اهتمام ایشان، در راه تنویر این طبقهٔ عدهٔ معتنا به زنان که تاکنون عضو عاطل و پسماندهٔ جامعه شرق به شمار می‌روند؛ به کار افتاده؛ به هر رشتهٔ امور زندگی اجتماعی با مردان دوش به دوش و مساویانه وظایف اجتماعی، ملی و طبیعی خویش را انجام خواهند داد» ماگه رحمانی در مقدمه کتاب پرده نشینان سخنگوی از درد زنان شاعر و زندانی بودن آنها در قفس در حالی که دین مبین اسلام برایشان حقوق مساوی داده است چنین می‌نگارد. «طبقهٔ نسوان در تمام دورهٔ تاریخ در زیر بار جور و ستم مردان قرار گرفته، از تمام حقوق حیاتی و اجتماعی بی‌نصیب بودند و حتی از تعلیم و تربیهٔ صحیح بهره نداشتند (اند)؛ چه دیدیم زنان را در عصرهای گذشته با وجود آن که دین مقدس اسلام، زنان را با مردان مساوی و صاحب هرگونه حقوق ساخت و تعلیم را برای هر دو جنس فرض نمود؛ تعلیم زنان را یک امر بی‌فایده و خطرناکی می‌دانستند و یگانه وظیفهٔ زن خدمت شوهر و نگاه داری اطفال، تعیین شده بود.» ماگه رحمانی در پشت کتاب این بیت را می‌نویسد.

همه جا قصه دیوانگی مجنون است

هیچکس را خبری نیست که لیلی چونست

**ماگه رحمانی** در مقدمه کتاب پرده نشینان سخنگوی از شرایط ناگوار زندگی شاعران زن از جمله مهستی هم عصر سلطان محمود غزنوی و سلطان مسعود غزنوی و راضیه سلطان چنین می‌نگارد:

«مهستی که صاحب روح بزرگ و شاعره هنرمندی بود تمام عمر همچو بلبل خوش الحان در قفس زرین و در فضای تنگ و فاسد در بارهای شاه گنجه و سلطان سنجر سلجوقی گزرانید و چون حیات او مطابق قوانین آن زمان نبوده و با زندگی زنان هم عصر او فرق تام داشت به فحاشی و بی‌باکی متهم گردید»

«سلطانه رضیه که زن فاضله و سیاستمداری بود و مملکت خود را با هوش و ملاحظت اداره می‌نمود برای آنکه به کارهای حکومتی بهتر رسیدگی کرده بتواند حجاب را دور افکند و لباس مردانه پوشید و این حرکت سبب سقوط سلطنت وی گردید» «چقدر خانم‌های با ذوق و صاحب استعداد قربانی بی‌اعتنائی و ظلم مردان شدند. مستوره کردستانی در هر غزل و شعر خود از بی‌مروتی و بیوفائی شوهر می‌نالد. محجوب هراتی و عاجزی هر دو در اثر ظلم و بی‌رحمی شوهران در عنفوان شباب با دل‌های پر درد و ارمان هم آغوش مرگ گردیدند. مهتری و ضعیفی و چند تن دیگر از شاعران مجبور بودند استبداد همسران پیری که هرگز به آنها علاقه و محبت نداشتند و شاید به امر والدین تن به ازدواج با ایشان در

داده بودند تحمل نموده از تمام خوشیهای مشروع دنیا چشم‌پوشند و اگر از این وضع به تنگ آمده و از آن سرپیچی می‌کردند فوراً به سزای خود می‌رسیدند. این چند تن از زنان نامور و مشهوری بودند که تاریخ اسمای ایشان را ثبت نموده تا عصر ما رسانیده لکن تعداد بانوان گم‌نامی که قربانی بی‌رحمی و ستم مردان، محیط و رسومات و عرف گردیده اند از حساب بیرون است چقدر دل‌های پر آرزو و امید بدون آن که از لذایذ حیات بهره‌ای ببرند در زیر خاک شدند چه استعدادها و قوه‌های روحی که شاید گوهر گرانبه‌ای به گنجینه عالم علم و ادب می‌افزودند بی‌اثر مفقود و معدوم شدند و بشر از وجود آنها هرگز فایده‌ای ندیده و حتی اطلاعی هم ندارد.»

عنوان این اثر نوک قلم را برای جستجوی شاعران آزاد در قفس از مرزهای دیار ما به سراسر جهان در سیر و سفر ساخت. ای بسا شاعران زن حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان از امریکا تا اروپا نیز رنج و اندوه قفس را در تار و پود وجود خود حس نموده و شاعران شیوا بیان در زیر مشتم و لگد و کارتوس تفگ شوهر کشته شدند و یا پشت میله‌های زندان شکنجه‌گردیدند.

**امیلی الیزابت دیکنسون** شاعر آمریکایی چنین می‌سراید :

من هیچکس! تو که هستی؟

آیا تو نیز هیچکسی؟

پس این گونه ما دو تاییم! فاش مکن

زیرا تبعید مان میکنند

مبادا رسوایمان کنند!

چقدر ملالت آور است کسی بودن

چقدر مبتذل بمانند قور باقه ای

تمام روز یک بند اسم خود را برای لجن زاری ستایشگر تکرار کردن

نام خود را در سراسر بهاران به منجلابی ستایشگر گفتن

**دل‌میرا آگوستینی** مشهورترین شاعر کشور یوروگوی «قربانی عشق و هوس» که هنوز ۲۸ سال از عمرش نگذشته بود توسط همسر سابقش به ضرب دو گلوله بر سرش مظلومانه کشته شد.

**مایا انجلو** شاعر و نویسنده سیاه پوست آمریکائی (۱۹۲۸ - ۲۰۱۴) سرگذشت پر غم و دردش را در هفت جلد با عناوین چون «میدانم چرا پرنده قفس میخواند» بیان نمود. او درین آثار باجرتت از درد فراموش ناشدنی تجاوز جنسی در هشت سالگی به او فریاد کشید و از عقیده نژاد پرستی که در دوران زندگیش به دروازه بعضی رستورانها در امریکا نوشته شده بود «ورود سگ و سیاه ممنوع است» شکایت وار نالید. زندگی مایا انجلو در آثارش نمونه بارز شاعر آزاد در قفس دنیای مدرن و پر زرق و برق می‌باشد.

او با اشعاری دلنشین و پر محتوی زندگی زن سیاه پوست را بلبلی در قفس تمثیل و چنین درد دل می- کند.

شب دراز است  
زخمها عمیق اند  
چاله ها تاریک  
و دیوارها مرتفع  
در ساحلی دور زیر آسمان آبی مرده  
موهایم مرا دور از دسترس تو بر زمین می کشند  
دستهایت به هم بسته شدند  
دهانت به هم دوخته شد  
حتی نمی توانستی نامم را صدا کنی  
تو ناتوان بودی و من هم  
اما تو در طول تاریخ  
مدال شرمساری را بردی

در شعر دیگری پرپر زدن شاعری آزاد در قفس را برای آزادی نجوا می کند.

پرنده در قفس آواز می خواند  
از ترس چیزهای نامعلوم می لرزد  
اما در انتظار خاموشی می ماند  
و آوازش در تپه های دوردست شنیده می شود  
که پرنده ای در قفس برای آزادی می خواند

در کشور همسایه ما ایران نیز شاهد شاعرانی در زیر سقف « شاعران آزاد در قفس » می باشیم. سروده های آزادمنشانه هیله صدیقی به مراتب او را پشت میله های زندان اسیر ساخته است. پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد با حقیقت سرائی شرایط ناگوار شاعران آزاد در قفس را تمثیل کرده اند. نمونه های کلامشان در این اثر شاهد این مدعاست. با سفری هر چند شتابزده در تاریخ ادبیات، اوضاع و شرایط ناگوار و زجر و شکنجه های ناخوش آیند را در زندگی شاعران آزاد در قفس شاهد و گواه می گردید. به تعقیب نگارش این اثر زمزمه های علل و دلایل این ناگواریها گوی قلم را فشار می دهد تا در جستجوی راه حل این معضله بزرگ گردد. علل این نابرابری ها گوناگون و متنوع می باشد که با ریشه یابی های دینی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ده ها راه دیگر هنوز هم قناعت آنچنانی میسر نمی گردد. اما حتماً

باید پیرامون علل « شاعران آزاد در قفس » و بطور کل زندگی انسان خصوصاً زن در جهان غور و بررسی دقیق صورت گیرد و شایسته‌ها از ناشایسته‌ها جدا گردیده راه‌های سالم و نیکو اختیار گردد که انسان بطور کل در جهانی از صلح، آرامش و احترام متقابل و ارزش به حقوق طبیعی و مدنی یگدیگر فضای خانواده و اجتماع را به مدینه فاضله تبدیل نماید. تحقیق درین باره ضرورت و احتیاج به سعی، کوشش و حوصله مندی طاقت فرسا و دست یابی به منابع و مأخذ بیشتر و نگارش کتب دیگری را می‌نماید تا علما و دانشمندان صادقانه دست به عمل شده و چنین آثار مفید را برای بهتر شدن امور زندگی عرضه نمایند. در اثر « شاعران آزاد در قفس » تا جائیکه درین دیار ماشینی به آثار و مأخذ دسترسی میسر گردید که کافی نیست؛ فقط به بیان این حقیقت اکتفا نموده دروازه گشای برای تحقیقات بعدی می‌گردیم.

درین اثر مشت نمونه خروار بیان گردیده است و ده‌ها شاعر گرانمایه دیگر در سراسر جهان در زیر این سقف قرار می‌گیرند که متأسفانه درج صفحات این اثر نمی‌باشند و صدها شاعر دیگر که باید از آنها نمونه‌های کلام زیب صفحات می‌شد باز هم بنا به ظرفیت و محدودیت حجم کتاب و کمبود معلومات و مأخذ، این سعادت و موفقیت درج نام و نمونه کلام همه شاعران میسر نگردید. امیدوارم در آینده ازین قلم و یا قلم بدستان دیگر این نقیصه رفع گردد. به امید شرایط زندگی بهتر به همه شاعران و نویسندگان جهان خصوصاً وطن عزیزما افغانستان برگ سبز تحفه درویش کتاب « شاعران آزاد در قفس » تقدیم شما می‌گردد. امیدوارم با دعای خیر و لطف و محبت مورد پذیرش شما واقع گردد.

محمد شعیب مجددی